

سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم بر ایران

طی هفته گذشته 2 زندانی حلق آویز و 5 زندانی دیگر محکوم به اعدام شدند
دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران- پنجشنبه 12 شهریور 1383 - 2 سپتامبر 2004
دژخیمان رژیم آخوندی روز یکشنبه 8 شهریور 83 یک زندانی را در میدان امیرکبیر اراک و روز 4 شهریور یک زندانی دیگر را در نزدیکی تهران به دار آویختند. علاوه بر این رسانه های حکومتی اعلام کردند در روزهای آینده 2 زندانی در دو نقطه شهر کرج (غرب تهران) حلق آویز خواهند شد. دبیرخانه شورای ملی مقاومت در اطلاعیه پی خاطر نشان کرد: طی یک هفته گذشته، قضایه رژیم آخوندی دست کم 5 زندانی را به اعدام محکوم کرد. در میان محکومین به اعدام یک جوان 16 ساله افغانی و یک زن و شوهر جوان به چشم می خورد. پیش از این در 25 مرداد حکام جنایتکار ایران، یک دختر 16 ساله را اعدام کرده بودند.

رویدادهای مهم بین المللی و منطقه ای

روز آخر کنوانسیون حزب جمهوری خواه و موقعیت جورج بوش
عبدی کلانتری گزارشگر صدای آلمان در نیویورک- پنجشنبه 12 شهریور 1383 - 2 سپتامبر 2004
فقط دو ماه دیگر به انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا باقی مانده است. امروز آخرین روز کنوانسیون پُرو سرو صدای حزب جمهوری خواه است که در شهر نیویورک برگزار می شود و در پایان آن جورج بوش سخنرانی مهم اش را به مناسبات پذیرش رسمی نامزدی این حزب ایراد می کند. او در برابر چشم دهها میلیون بیننده و بیش از سی میلیون رای دهنده، که پای تلویزیون ها مشتاق نظاره اش می کنند، آخرین تیرهای ترکش اش را به سمت رقیب انتخاباتی اش سناتور جان کری پرتاب خواهد کرد. موقعیت جورج بوش در برابر رقیب در این لحظه چیست؟
در آخرین همه پرسی ای که هفته نامه «تایم» (6 سپتامبر) انجام داده، بوش 46 درصد و کری 44 درصد آراء را دارند. بوش فقط گام کوتاهی از کری جلوتر است و آن پنج درصدی که هنوز تصمیم نگرفته اند، به اضافه پنج درصد دیگر که قرار است به نامزد مستقل سوم، آقای رالف نیدر، رای بدهند، به طور بالقوه می توانند به طرف بوش یا به طرف کری کشیده شوند.
نقاط قوت و ضعف جورج بوش در این همه پرسی به شرح زیر است:

آیا او در سیاست اراده ای راسخ دارد و کوتاه نمی آید؟ 78 درصد می گویند بله.
آیا او فردی خودمانی و غیرمتظاهر است؟ 65 درصد می گویند بله.
آیا او درک درستی از اهمیت موضوع های کشوری و جهانی دارد؟ 54 درصد می گویند بله.
آیا او قابل اعتماد است؟ 54 درصد می گویند بله.
آیا به سرنوشت شهروندانی چون شما اهمیت می دهد؟ 50 صد می گویند آری، 50 درصد خیر.
آیا سیاست های او به حال مردم اش مفید بوده اند؟ 50 درصد آری، 50 درصد خیر.
در مورد آموزش و پرورش، بهبود وضع بهداشت سالمندان و رفاه بازنشستگان، بالای 60 درصد از مردم به کارنامه بوش رای منفی می دهند!
این آمار، و آمارهای مشابه در همه پرسی های «والستریت جورنال» و شبکه تلویزیونی «ان بی سی»، نشان می دهند که رای دهندگان در مورد جورج بوش از وسط به موافق و مخالف تقسیم شده اند، و بنابراین، هر سخنرانی مؤثری، هر ترفند چشمگیر تبلیغاتی ای، یا تغییر مثبتی در موقعیت جنگ در عراق و افغانستان، می تواند ذره ای به وزن جورج بوش در کفه ترازوی انتخابات بیفزاید.

بوش بازهم تأکید بیشتری بر سیاست خارجی اش خواهد کرد: اینکه در نبرد با تروریسم به هیچ وجه مصالحه نخواهد کرد؛ درحالیکه جان کری هنوز سیاست روشنی برای چهار سال آینده، در مورد مقابله با تروریسم، ارائه نکرده و فقط نقش قهرمانانه خود را در جنگ ویتنام برجسته کرده است. جان کری پس از خدمت در جنگ ویتنام و بازگشت به کشورش، در همان جوانی به صف مخالفان جنگ ویتنام پیوست و از همین رو، صرف رشادت او در جنگ، برای بیشتر رای دهندگان کافی نیست که به او اعتماد داشته باشند تا در هر شرایطی و به هر وسیله ممکن، امنیت جانی آمریکایی ها را تضمین کند.
از فردای واقعه یازدهم سپتامبر تاکنون، موضوع «امنیت ملی» مهمترین موضوع در گفتارهای سیاسی در آمریکا بوده است و سیاستمداری که در این زمینه صریح - سخن و قاطع نباشد و سیاست روشنی نداشته باشد، می تواند به سادگی از چشم رای دهندگان سقوط کند. امشب جورج بوش به روی صحنه می رود تا مردم آمریکا را بار دیگر متقاعد کند که او، و تنها او است که توانسته دو رژیم تروریست را در خاورمیانه ساقط کند، رژیم دیگر یعنی رژیم معمر قذافی را در لیبی از این رو به آن رو کند به نحوی

که دیگر تهدیدی برای هیچ کشوری نباشد، و پاکستان را نیز مجبور کند که از حمایت طالبان افغانی دست بکشد و مطیع بیشتر آمریکا باشد.

و حالا او عزم خود را جزم کرده که تمامی خاورمیانه را مکانی امن برای داد و ستد تجاری، پاکیزه از ویروس تروریسم اسلامی و متحد خوب آمریکا بکند. آیا جورج بوش، بر روی صحنه، نقش خود را خوب بازی خواهد کرد؟

رژیم ایران - آژانس بین المللی انرژی

رئیس اتحادیه اروپایی: تهران خط تندی را برگزیده است ، شرایط بسیار سخت است

پنجشنبه 12 شهریور 1383 - 2 سپتامبر 2004

با وجودی که کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا از اتحادیه اروپایی خواست زمینه ارجاع پرونده هسته ای ایران را به شورای امنیت فراهم کند، اتحادیه اروپایی با رد این درخواست و ابراز نگرانی درباره روابط خود با ایران در عین حال ادعا کرد: تهران خط تندی را برگزیده است و شرایط بسیار سخت است . به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از خبرگزاری فرانسه، اتحادیه اروپایی نگران روابط با ایران است، اما ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را نیز نمی پسندد. برناد بات وزیر امور خارجه هلند که کشورش ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را برعهده دارد در مقابل کمیسیون امور خارجی پارلمان اروپا امروز پنجشنبه گفت : وزیران امور خارجه 15 کشور عضو اتحادیه اروپایی نسبت به روابط خود با ایران نگران هستند. بات افزود: اوضاع بسیار سخت است، گفتگو درباره حقوق بشر ناامیدکننده است و موضع مسائل هسته ای هم ما را به امیدواری زیادی و نمی دارد به نظر می رسد، ایران خط تندی را برگزیده است.

این اظهارات با اظهارات کریس پاتن کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپایی همسویی دارد، پاتن روز گذشته به این اشاره کرد که روابط میان اتحادیه اروپایی و ایران پیشرفت نمی کند. به گزارش مهر به نقل از خبرگزاری فرانسه در این چارچوب یک منبع دیپلماتیک اروپایی هم امروز پنجشنبه گفت: تحولات در زمینه حقوق بشر و مسائل هسته ای و غیره از پیشرفت خبر نمی دهد، ولی وی در عین حال اراده اتحادیه اروپایی به گسترش و تحکیم روابط با تهران همچنان به قوت خود باقی است .

این منبع با احتیاط در پاسخ به اظهارات وزیر امور خارجه آمریکا درباره موضوع برنامه هسته ای ایران گفت : اظهارات پاول موضع اتحادیه اروپایی نیست. پاول روز چهارشنبه اعلام کرده بود که کشورش از آژانس بین المللی انرژی اتمی خواهد خواست پرونده هسته ای ایران را به شورای امنیت به امید اعمال تحریم بر جمهوری اسلامی ایران ارجاع دهد. نشست شورای حکام قرار است نیمه ماه سپتامبر (اواخر شهریور) در وین برگزار شود. همچنین پرونده هسته ای ایران در دستور کار مذاکرات وزیران امور خارجه اتحادیه اروپایی قرار گرفت تا فردا جمعه در نشست غیر رسمی این اتحادیه در والکنبورگ در جنوب شرق هلند بررسی شود.

وزیر امور خارجه آمریکا: زمان ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت فرا رسیده است

پنجشنبه 12 شهریور 1383 - 2 سپتامبر 2004

خبرگزاری فارس: وزیر امور خارجه آمریکا گفت کشورش هنگام برگزاری اجلاس شورای حکام در ماه جاری، آژانس بین المللی انرژی اتمی را برای ارجاع برنامه هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل به منظور اعمال تحریمهای احتمالی تحت فشار قرار می دهد. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، «کالین پاول» روز چهارشنبه پس از انتشار گزارش محرمانه آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد ایران افزود: واشنگتن انتظار دارد برخی از اعضای شورای حکام با آمریکا مخالفت کنند اما کشورش بررسی انجام اقداماتی که شورای امنیت می تواند علیه ایران انجام دهد را آغاز کرده است.

وی بدون ارائه توضیحات بیشتر گفت: «ما در حال یافتن برخی اقدامات احتمالی از جمله سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک و دیگر اقدامات هستیم که ممکن است اعمال شوند.» وی از ارائه توضیحات در مورد جزئیات گزارش جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد ایران که پیش از اجلاس 13 سپتامبر منتشر شده است، خودداری کرد اما مدعی شد آمریکا متقاعد شده است ایران از برنامه صلح آمیز انرژی هسته ای برای مخفی کردن تولید سلاحهای اتمی استفاده می کند و این موضوع باید به سازمان ملل ارجاع داده شود.

وزیر امور خارجه آمریکا در راه بازگشت از سفر کوتاه خود به پاناما در جمع خبرنگاران گفت: «این موضع ما خواهد بود که در اجلاس 13 سپتامبر در جمع اعضای شورای حکام آژانس مطرح می شود.» وی افزود: «باید دید آیا اجماع در مورد انجام چنین اقدامی حاصل می شود اما ما فکر می کنیم که به اندازه کافی نظاره گر بوده ایم، دنیا در سال گذشته به اندازه کافی نظاره گر بوده و اکنون باید به این نتیجه رسیده باشد که زمان ارجاع (پرونده هسته ای ایران) به شورای امنیت فرا رسیده است.»

پاول تاکید کرد دیپلماتهای آمریکایی روز پنجشنبه رایزنی با اعضای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را آغاز می‌کنند تا حمایت از این موضع را بدست بیاورند. وی در عین حال گفت ممکن است برخی از این اعضا بخواهند ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت را تا اجلاس بعدی در ماه نوامبر به تعویق بیندازند. وزیر امور خارجه آمریکا افزود: واشنگتن سرسختانه بر موضع خود تاکید کرده و شکیبایی آمریکا در برابر نادیده گرفتن ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت در گذشته در حال پایان است. وی تصریح کرد: «ما فکر می‌کنیم دیگر شکیبایی کافی است اما من باید نظرات دیگر اعضا را نیز بشنوم. این پرونده باید پیش از این به شورای امنیت می‌رفت.» پاول افزود: آمریکا هنوز در جستجوی یافتن راه حلی دیپلماتیک برای نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران است و همچنین در صورتی که پرونده ایران به سازمان ملل ارجاع داده شود، گزینه‌های بسیاری مطرح است. وی گفت: «فکر می‌کنم هنوز راه حل دیپلماتیک برای این موضوع وجود داشته باشد؛ اما صراحتاً بگویم اگر جامعه بین‌الملل به این نتیجه برسد که این موضوع باید به شورای امنیت ارجاع داده شود، سوال بعدی برای آمریکا این خواهد بود که چه گزینه‌هایی در این خصوص مطرح است.» وزیر امور خارجه آمریکا خاطرنشان کرد: «ما در حال بررسی این موضوع هستیم که در صورت ارجاع پرونده چه گزینه‌هایی ممکن است به شورای امنیت برای بررسی ارائه شود.»

ایران قصد دارد مقدار زیادی «کیک زرد» اورانیوم را به هگرافلوراید تبدیل کند

پنج‌شنبه 12 شهریور 1383 - 2 سپتامبر 2004

خبرگزاری فارس: سازمان ملل اعلام کرد ایران قصد دارد مقدار زیادی «کیک زرد» اورانیوم خام را به هگرافلوراید اورانیوم تبدیل کند. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از خبرگزاری رویتر از وین، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز گذشته با انتشار گزارش محرمانه‌ای که در میان اعضای شورای حکام آژانس پخش شد، اعلام کرد ایران قصد دارد «آزمایش بزرگتری» از تبدیل اورانیوم را با استفاده از «37 تن کیک زرد» انجام دهد. همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این گزارش تاکید کرد پیشرفت‌های زیادی را در فهم برنامه هسته‌ای ایران انجام داده اما تحقیق در این خصوص هنوز تکمیل نشده است. یک دیپلمات ارشد غربی در مورد تحقیقات آژانس که اتهامات آمریکا در مورد اینکه تهران برنامه مخفی تولید سلاح‌های هسته‌ای دارد را ثابت نکرده است، گفت: «کار در حال پیشرفت است.» بنابر این گزارش، آژانس در این گزارش از ایران به دلیل فراهم کردن امکانات برای دسترسی به سایتها و اطلاعات داخل این کشور قدردانی کرده اما از این کشور به دلیل ارائه دیر هنگام برخی اطلاعات جزئی انتقاد کرده است.

«اختصاصی مهر» متن کامل گزارش ماه سپتامبر آژانس از فعالیت های هسته ای ایران

پنج‌شنبه 12 شهریور 1383 - 2 سپتامبر 2004

موافقت رسمی آژانس با فک پلمب دستگاه‌های مرتبط با سانتریفیوژ در 29 ژوئن

گزارش جدید محمد البرادعی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص برنامه های هسته ای ایران مشتمل بر 11 صفحه اصلی و همچنین 11 صفحه ضمیمه، در سه بخش به صورت ویژه و محدود به اعضای رسمی شورای حکام ارائه گردیده است که خبرگزاری مهر متن کامل آن را که از منابع دیپلماتیک وین دریافت داشته منتشر می‌کند. به گزارش خبرنگار خبرگزاری مهر در وین، در ابتدای این گزارش با تشریح سابقه تعامل ایران با آژانس به گاهشماری فعالیتها و بازرسی های انجام شده از سوی آژانس و قطعنامه هائی که در این رابطه قبلاً به تصویب شورای حکام رسیده (بویژه از مقطع خرداد ماه جاری تا کنون) اشاره شده است.

در بخش دوم این گزارش نیز به مسائل مهم و ارزیابی آژانس از برنامه سانتریفیوژ و موضوع منشاء آلودگی آزمایشات مربوط به تبدیل اورانیوم، غنی سازی لیزری، آزمایشات جداسازی پلوتونیوم، سلولهای داغ، پروتکل الحاقی، بررسی روندها و یافته های بازرسی، ملاقاتها در جهت شفاف سازی و مذاکرات؛ و همچنین برنامه تعلیق اشاره می‌کند و در قسمت آخر به بررسی یافته ها و گامهای بعدی که آژانس باید برای تضمین تداوم کار انجام دهد تاکید می‌کند.

اجرای توافقنامه پادمان در جمهوری اسلامی ایران

گزارشی از دبیرکل (محمد البرادعی)

1- در نشست ماه ژوئن سال جاری شورای حکام، " محمد البرادعی" مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش خود در مورد توافق آژانس و جمهوری اسلامی ایران بر اساس توافقنامه پادمان پیرامون قرارداد پیمان منع تولید و گسترش تسلیحات هسته ای را ارائه داد. این گزارش در یکم ژوئن 2004 (GOV/2004/34) گاهشماری از فعالیتها و بازرسیهای انجام شده از ماه مارس سال جاری را به دست می‌داد.

2- نتایج مهم قطعنامه پذیرفته شده در هجدهم ماه ژوئن سال 2004 (GOV/2004/49) عبارت بود از:

- همکاریهای جمهوری اسلامی ایران با بازرسان آژانس برای دسترسی به تمامی مکانهای مورد نیاز شامل چهار کارگاه متعلق به وزارت دفاع ایران مناسب بوده است.

- البرادعی همچنین در گزارش کتبی و شفاهی خود اعلام کرد که همکاریهای مقامات ایران در برخی موارد انتظارات ما را در ارائه دادن بموقع اطلاعات پیرامون برنامه سانتریفیوژ P2 در غنی سازی اورانیوم و تاخیر در ارائه نمونه های طبیعی و برخی تحلیل ها برآورده نکرد.

- با توجه به گذشت زمان همکاریهای فعال ایران با آژانس بسیار حائز اهمیت است به ویژه اینکه این همکاریها موجب فهم کامل آژانس از برنامه غنی سازی اورانیوم ایران با توجه به اطلاعات مرتبط و دسترسی به تمام مکانهای مورد نیاز بوده است. آژانس همچنین از مقامات ایران خواستار ادامه این همکاریها و شفاف سازی مورد نیاز برای اطمینان دادن به مجامع بین المللی از فعالیتهای هسته ای اش بوده است.

- از ایران خواسته شد تمام مراحل مورد نیاز برای کمک به حل سؤالات موجود به خصوص در مورد اورانیوم ضعیف شده (LEU) و اورانیوم غنی شده (HEU) در مکانهای مختلف ایران، شامل تهیه اطلاعات اضافی مرتبط با اجزای اصلی مورد سؤال، توضیح در مورد وجود تراکم 36% ی ذرات HEU و همچنین پرسش در مورد ماهیت و محدوده برنامه سانتریفیوژ P2 شامل تهیه مدارک و توضیحات کامل مدنظر مقامات آژانس می باشد .

- آژانس از ارائه برخی اطلاعات از سوی ایران با توجه به بند 2 و 3 پروتکل الحاقی استقبال می کند و تاکید می کند که پیروی ایران از ضرب الاجل آژانس برای ارائه مطالب بیشتر با توجه به مواد مندرج در بند 2 و 3 پروتکل الحاقی بسیار با اهمیت بوده و آژانس خواستار ادامه و تکمیل این همکاریها است.

- آژانس بر اهمیت ادامه هماهنگی و سازگاری مقامات ایران با پروتکل الحاقی برای اطمینان جامعه بین المللی از ماهیت برنامه های هسته ای این کشور تاکید می کند و از ایران می خواهد تا بدون تاخیر آن را تصویب کند.

- یادآور می شود در قطعنامه های پیشین، شورای حکام خواستار تعلیق غنی سازیهای اورانیوم و فرآیند بازیافت در ایران شد، این شورا از اقدام داوطلبانه مقامات ایران در تعلیق غنی سازی اورانیوم استقبال کرد و خواستار تکمیل هرچه سریعتر سایر نقصهای موجود و برطرف کردن تفاوتها موجود میان درک و برداشت آژانس از تصمیم ایران برای تعلیق غنی سازی اورانیوم مانند اجتناب از تولید UF6 از کلیه محصولات تهیه شده در دستگاه سانتریفیوژ شد.

- با توجه به اقدام داوطلبانه ایران برای تعلیق در کلیه غنی سازیهای اورانیوم و فعالیتهای بازیافتی از این کشور خواسته شد تا برای اطمینان بیشتر بر تصمیم خود برای آزمایش آغاز تولید اورانیوم (UCF) و همچنین برای اطمینان بیشتر خواستار تجدید نظر در تصمیم ایران برای آغاز ساخت و تحقیق در مورد راکتور آب سنگین شد و اینها مسائلی هستند که با توجه به گزارشات پیشین در مورد فعالیتهای هسته ای ایران می تواند اعتماد بین المللی به نفع این کشور را جلب کند.

- یادآور می شود که همکاری کامل و همه جانبه تمام کشورهای سوم نیز برای پاسخ گویی به سؤالات آژانس لازم و ضروری است.

- از محمد البرادعی مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی و تمام اعضای دبیرخانه این سازمان برای تلاش حرفه ای و بیطرفانه خود در اجرای پیمان پادمان با مقامات ایران و ترغیب ایران برای امضای پروتکل الحاقی و تعلیق غنی سازی اورانیوم تقدیر و تشکر شد .

2- در قطعنامه (GOV/2004/49) شورای حکام همچنین از مدیر کل آژانس خواست تا گزارشی را در ماه سپتامبر در مورد پیشرفت در موارد ذکر شده ارائه دهد.

الف- گاهشمار فعالیتهای بازرسیهای آژانس از ژوئن 2004

4- از 29 ماه می تا 3 ژوئن 2004، بازرسان آژانس تعدادی از کارگاه های ایران برای تاسیس پایگاهی برای نظارت بر روند تعلیق در تولید اجزای سانتریفیوژ بازدید کردند و در مورد برنامه سانتریفیوژ P2 و بازدید از کارگاه های کاری که سیلندرهای روتورهای مرکب P2 را می سازند، مذاکراتی را داشته اند.

5- بازرسان آژانس طی ماموریتی به ایران از 22 تا 30 ژوئن سال جاری از "طرح آزمایشی غنی سازی سوخت" (PFEP) در نطنز، و توانایی تولید اورانیوم (UCF) و انجام مراحل تکمیلی در "مرکز تکنولوژی هسته ای اصفهان" (ENTC)، اطلاعات طرح تحقیقی غنی سازی سوخت (FEP) در نطنز بر روی عناصر شیمیایی مولیبدنم (Mo)، ید (I) و تولید رادیو ایزوتوپ گزنون (Xe) در مرکز تحقیقات هسته ای تهران بازدید کردند.

6- در 22 ژوئن 2004 طی ماموریت مشابهی آژانس خواستار دستیابی به سایت شیان لویزان در تهران شد که این مسئله به جلسه شورای حکام در ژوئن 2004 برمی گردد. بازرسان آژانس در 28 ژوئن سال جاری از این سایت بازدید به عمل آوردند.

7- در 23 ژوئن 2004، آژانس از ایران نامه ای دریافت کرد که در آن آورده شده بود: "ایران در نظر دارد تا اجرای داوطلبانه برنامه غنی سازی اورانیوم را با توجه به یادداشت 24 فوریه 2004 به تعویق بیندازد و در نظر دارد تا تحت نظارت آژانس این غنی سازی را از سرگیرد." مقامات ایران از آژانس خواستند تا مراحل مورد نیاز برای از سرگیری غنی سازی اورانیوم را در 29 ژوئن 2004 از سرگیرند.

8- در 25 ژوئن 2004 محمد البرادعی مدیر کل آژانس با توجه به نامه 23 ژوئن، نامه ای به مقامات ایران نوشت و ابراز امیدواری کرد که این کشور همچنان به تلاشهای خود برای جلب اعتماد بین المللی در اجرای تصمیم داوطلبانه تعلیق کلیه غنی سازیهای اورانیوم و فعالیتهای باز یافت ادامه دهد. مدیر کل آژانس همچنین به اطلاع مقامات ایران رساند که آژانس برای اجرای بیطرفانه تصمیمات مقامات ایران تماسهای بیشتری را برای شفاف سازی فعالیتهای خواهد داشت. هر دو نامه به شورای حکام ارجاع داده شد.

9- در 29 ژوئن آژانس نامه ای را به تاریخ 27 ژوئن از مقامات ایران دریافت کرد که توجه به نامه 23 ژوئن ایران به آژانس، ایران فهرستی از مواد، ابزار و تجهیزاتی را ارائه داد که توسط بازرسان آژانس لاک و مهر شده بودند و باید برای از سرگیری ساخت و تست سانتریفیوژ، این لاک و مهرها برداشته می شد. در این نامه مقامات ایران خواستار برداشته شدن این لاک و مهرها توسط بازرسان آژانس و یا متصدیان امر شدند. آژانس نیز با دریافت این نامه در 29 ژوئن موافقت خود را برای باز شدن لاک و مهرها در غیاب بازرسان توسط متصدیان امر اعلام کرد.

10- از 30 ژوئن تا 2 جولای، مقامات آژانس با هیئتی از ایران در وین بحث پیرامون اجرای مواد پیمان پادمان دیدار و گفتگو کردند. در پایان این نشست هیئت ایرانی و مقامات آژانس برای انجام برخی اقدامات در دستیابی به پیشرفتهایی در ماههای جولای و اوت در مورد مباحث مورد بحث به توافق رسیدند.

11- با توجه به توافقات انجام شده در این نشست در نامه ای به تاریخ 2 جولای آژانس خواستار پایبندی ایران به بندهای 2 و 3 پروتکل الحاقی مورد توافق ایران در 15 ژوئن 2004 شد. در نامه 2 جولای، آژانس اشتیاق خود را برای اطلاع از منابع و مکانهای مرتبطی که ایران برخی ابزار و تجهیزات و مواد دست دوم را خریداری کرده بود اعلام کرد که بر روی آنها آثار و لکه هایی از برخی فعالیتهای مورد استفاده در کاربردهای هسته ای غیر صلح آمیز وجود داشت.

اعلام رسمی آزمایش داغ اپراتور UCF از سوی ایران به آژانس در 16 اوت

داخلی نبودن منشاء آلودگی سطح بالا، مایه خوشوقتی و تقدیر از ایران است در بخش اول گزارش اختصاصی مهر از متن کامل گزارش تازه آژانس بین المللی انرژی اتمی به مباحثی از روند همکاریها از فاصله ژوئن (خرداد) گذشته تا کنون در بندی از «آ» اعلام شده است که در تاریخ 29 ژوئن این آژانس رسماً با فک پلمب دستگاههای مرتبط با سانتریفیوژ بر اساس درخواست ایران موافقت کرده بود.

12- طی توافقات انجام شده در نشست سی ام ژوئن تا دوم جولای 2004 و نشست پنجم جولای 2004، آژانس فهرستی از سوالاتی را که به برنامه غنی سازی سانتریفیوژ مرتبط می شد در اختیار ایران قرار داد و از ایران خواست که پاسخ این سوالات را تا تاریخ 20 جولای 2004 در اختیار آژانس قرار دهد.

13- در خلال دیدار بازرسان آژانس از ایران که از تاریخ ششم تا هیجدهم جولای سال 2004 انجام شد، تیمی از آژانس با مقامات ایرانی ملاقات کردند و درباره نقطه نظر آژانس در خصوص اظهارنامه های ایران بر اساس پروتکل الحاقی با آنان گفتگو کردند. این تیم همچنین از سایت نطنز، که در آنجا مواد هسته

ای که روی تجهیزات و لوله هایی که در برنامه توسعه و تحقیق سانتریفوژ (R&D) در کارگاه شرکت کالای الکتریک پیدا شده بود دیده شد، دیدار کردند .

14- در خلال این دیدار ، ایران همچنین مسئله چهل مورد مهر و موم که از تجهیزات و قطعات سانتریفوژهای سایتهای نطنز ، پارس تراش و فرابند تکنیک برداشته شده بود را مطرح کرد. این تیم همچنین مذاکراتی را با مقامات ایران در باره مسئله مهم تبدیل اورانیوم انجام دادند . به علاوه ، این تیم از سایت بازیافت زباله در قم بازدید کرد و اقدامات تکمیلی را در لشکر آباد سایت تولید اورانیم در نزدیکی بندرعباس و در مرکز تحقیقات هسته ای تهران (TNRC) انجام دادند .

15- در نوزدهم جولای سال 2004 آژانس نامه ای را از مقامات ایرانی به تاریخ پانزدهم جولای دریافت کرد که این نامه به منبع آلودگی اتاق زیر شیروانی راکتور تحقیقات تهران (TRR) مربوط می شد. در این نامه ایران اطلاعات جدیدی را در رابطه با منبع مواد آلوده ارائه داد .

16- از بیست و پنجم جولای تا دوم اوت سال 2004 ، بازرسان آژانس فعالیتهای بازرسی خود را از (TRR) و (PFEP) و تاسیسات سایت اصفهان انجام دادند . در نطنز بازرسان همچنین از یک ساختمان اداری و یک انبار روتورهای سانتریفوژ در ارتباط با نظارت بر فعالیتهای مربوط به تعلیق غنی سازی اورانیم ایران بازدید کردند .

17- از سه تا هشت اوت 2004 یک تیم از آژانس به ریاست بخش عملیتهای پادمانی بی (DIR-SGOB) با مقامات ایرانی در تهران ملاقات کردند . در این ملاقات درباره مسائل مهم اجرای پادمانی که در نشست سی ژوئن تا 2 جولای سال 2004 مطرح شده بود گفتگو کردند . در آغاز نشست ایران کتبا به برخی از سوالات آژانس که در گذشته به ایران ارسال شده بود پاسخ داد . جزئیات این پاسخ ها نیز طی این نشست مورد بحث و بررسی قرار گرفت .

18- در پایان این نشست مقامات ایرانی توافق کردند که پاسخ های کتبی را تکمیل کرده و مدارک بیشتری را در اختیار آژانس قرار دهند . در هشتم اوت سال 2004 ایرانی ها اطلاعات و مدارک بیشتری را در اختیار آژانس قرار دادند . در پی بازنگری اولیه این اطلاعات و مدارک ، آژانس در شانزدهم اوت 2004 طی نامه ای به ایران خواستار ارائه اطلاعات باقی مانده شد .

19- در شانزدهم اوت 2004 ، آژانس نامه ای را از مقامات ایران به تاریخ چهاردهم اوت دریافت کرد که در آن آمده بود اپراتور UCF قصد دارد انجام آزمایش داغ را در تاریخ نوزدهم اوت 2004 آغاز کند .

20- در خلال بیست و یک تا بیست و پنجم اوت 2004 ، گفتگو ها در مرکز تحقیقات هسته ای تهران (TNRC) انجام شد و دسترسیهای تکمیلی از کرج و بازرسیها و طر حهای مربوط به شفاف سازی اطلاعات در (PFEP) و UCF انجام شد .

21- بین نوزده تا سی اوت سال 2004 ، آژانس اطلاعات بیشتری از سوی مقامات ایران در رابطه با مسائل مهم که در خلال نشست های سه تا هشت اوت سال 2004 در ایران در باره آنها گفتگو شده بود و در پاسخ به نامه آژانس به تاریخ شانزدهم اوت سال 2004 بود دریافت کرد .

برنامه سانتریفوژ

22- آژانس بیانیه های ایران در مورد تاریخچه برنامه غنی سازی سانتریفوژ پی 2 را به ویژه در دوره 1995 تا 2002 بررسی می کند.

23- در مباحثات اوت 2004 ایران اعلام کرد که دستگاههای سانتریفوژ در سال 1995 خریداری شده اما تا سال 2002 مورد استفاده قرار نگرفته است. ایران اعلام کرد که در دوره 1995 تا 2002 هیچ گونه آزمایش یا بررسی از سوی این کشور بر این قطعات صورت نگرفت.

24- منابع ایرانی همچنین اعلام کردند که علیرغم ارتباط های گاه به گاه با واسطه ها درباره موضوعات سانتریفوژ پی 1 ، موضوع سانتریفوژ پی 2 به هیچ وجه در هیچ یک از دیدارها مورد بحث قرار نگرفته است.

25- در نشست 3 تا 8 اوت 2004 ، آژانس اطلاعاتی را از ایران درباره ساخت و تست روتورهای کامپوزیت پی 2 در قرارداد با یک شرکت خصوصی در دوره 2002 تا 2003 دریافت کرد. آژانس باز هم خواستار اطلاعات بیشتری درباره منبع مگنت ها شد که در 30 اوت ایران آژانس را مطلع کرد که در تلاش برای دریافت اطلاعاتی است که آنها را به آژانس انتقال خواهد داد.

26- در ارزیابی های کلی از غنی سازی سانتریفوژ پی 2 ، دلایل ارائه شده از سوی ایران برای دوره زمانی میان سال های 1999 تا 2002 تضمین کافی را ایجاد نکرد که اطمینان داشته باشیم در طول

مدت مذکور هیچ فعالیتی صورت نگرفته است. آژانس بازرسی های خود را از شبکه های تهیه ادامه می دهد. بازرسی از منابع تهیه، این فرصت را به آژانس می دهد که صحت اظهارات ایران درباره پی 1 را هم محک بزند.

منشاء آلودگی

- 27- ایران هنوز ذرات اورانیوم کم غنی شده و کامل غنی شده را که در نطنز، شرکت کالای الکتریک، فرآیند تکنیک و جدیداً در پارس تراش پیدا شده بود و از تجهیزات وارداتی پی 1 منتج شده بود نگهداری می کند. اما برخی از سوالات همچنان بی پاسخ باقی مانده اند:
- * اگر آلودگی های موجود در قطعات ساخت داخل به دلیل تجهیزات وارداتی بوده است، چرا تجهیزات ساخت داخل فقط آلودگی اورانیوم کم غنی شده داشته اند اما تجهیزات وارداتی آلودگی هر دو نوع یعنی اورانیوم کم غنی شده و کاملاً غنی شده را دارا هستند؟
- * اگر منشاء آلودگی ها یکی است و همه از تجهیزات وارداتی می باشند، چرا آلودگی موجود در PFEP با آلودگی های موجود در شرکت کالای الکتریک و فرآیند تکنیک متفاوت هستند؟
- * چرا ذرات اورانیوم 36 درصد فقط در سه مکان از جاهایی که تجهیزات وارداتی قرار داده شده بودند، یافت شده است و در دیگر مکان ها پیدا نشده است؟
- 28- در مورد موضوع اورانیوم های کم غنی شده و کاملاً غنی شده آژانس نیاز به اطلاعات بیشتری در مورد اینکه تجهیزات از کجا آمده اند و چگونه به ایران انتقال یافته اند دارد.
- 29- اگر چه ایران در اکتبر 2003 اطلاعاتی را درباره واسطه هایی که در انتقال تجهیزات مشارکت داشته اند، ارائه کرد، اما درباره مبدا ساخت آنها چیزی نگفت.
- 30- آژانس با کشوری که تصور می شد بیشتر تجهیزات از آنجا به ایران آمده گفتگو کرد اما آن کشور اعلام کرد که همه تجهیزات فقط از همان کشور وارد نشده است. آژانس این موضوع را از راه گفتگو با برخی کشورهای دیگر دنبال می کند.
- ارزیابی نهایی آژانس نشان می دهد که بیشتر آلودگی های به دست آمده در شرکت کالای الکتریک و نطنز با آلودگی های HEU در تجهیزات وارداتی مرتبط بوده است. بنابراین باعث خوشوقتی است که این ارزیابی نشان می دهد آلودگی اورانیوم کاملاً غنی شده مربوط به ایران نیست.
- 31- تحلیل آژانس نشان می دهد که آلودگی HEU پیدا شده در کالای الکتریک و نطنز با آلودگی پیدا شده در قطعات وارداتی منطبق است. با توجه به این تحلیل می توان فهمید که این آلودگی در داخل ایران ایجاد نشده است. در مورد LEU بررسی های بیشتر در حال انجام است.
- 32- همانطور که در بالا گفته شد، آژانس نامه ای از ایران دریافت کرد که تایید می کرد منبع آلودگی اتاق زیر پشت بام راکتور تحقیقاتی تهران یو اف 6 بوده است که از طریق تبدیل آر اند دی تولید شده بود. اما با توجه به اطلاعات بیشتر در مورد منبع مواد آژانس اظهارات ایران در مورد آلودگی و نشأت از بطری را تقدیر می کند.

آزمایشات تبدیل اورانیوم

33- بین سال های 1981 تا 1993 آزمایش های تبدیل اورانیوم توسط ایران انجام شد. آژانس اظهارات ایران در این زمینه را مطالعه کرده و نتیجه نهایی این است که اظهارات ایران در مورد تمام جنبه های این موضوع با یافته ها و بررسی های آژانس هماهنگ است.

در مورد غنی سازی لیزری

- 34- آژانس بررسی کاملی در مورد برنامه جداسازی ایزوتوپ لیزری ایران انجام داده است و به این نتیجه رسیده که توضیحات ایران درباره سطوح غنی سازی ایران با استفاده از برنامه مذکور در لشکرآباد و اندازه مواد مصرفی مطابق با اطلاعاتی است که به آژانس داده شده است.
- 35- کارشناسان آژانس می گویند که در حالی که قرارداد برای تجهیزات AVLIS در لشکرآباد به طور ویژه برای سیستمی که بتواند 5 کیلو گرم تولید در سال اول داشته باشد، نوشته شده است، در این تاسیسات مقدار کمی HEU نیز مشاهده شده است.

آزمایشات جداسازی پلوتونیوم

- 36- همانطور که در گزارش های قبلی آژانس نیز آمده سوالاتی درباره تاریخ و کمیت مواد در آزمایشات جداسازی پلوتونیوم باقی مانده است. این اختلاف نظر با آژانس به دلیل سن پلوتونیوم ها است که ایران همچنان اظهارات قبلی خود را تکرار می کند و آژانس در حال بررسی بیشتر است.
- 37- ایران هم اکنون با تخمین آژانس از مقدار پلوتونیوم که توسط پرتوزدایی تولید شده است، موافق است. در طول اوت 2004 ایران دلایلی را توضیح داد که موضوع آلودگی های اصفهان راتا حدی حل کرد. همانطور که در گزارش قبل هم توضیح داده شد، نشانه هایی وجود دارد که سن پلوتونیوم در محلول ها باید کمتر از 12 تا 16 سال باشد در حالی که این موضوع با یافته های آژانس منطبق نیست و باید بررسی های بیشتری صورت بگیرد.

سلولهای داغ

38- در پاسخ به سوال آژانس درباره پنجره های هات سل ایران آژانس را مطلع کرد که چنین برنامه ای را برای تولید ایزوتوپ لازم داشته که به دلیل دشواری های اجرایی به انجام نرسیده است. ایران در 19 اوت 2004 بار دیگر تکرار کرد که پروژه های سلولها در اراک از 9 سلول داغ تشکیل شده است که که دو عدد برای تولید ایزوتوپ و بقیه برای امور دیگر مورد استفاده قرار می گرفته است.

39- آژانس برای داشتن دریافت بهتر از برنامه هات سل در ایران بررسی های خود را ادامه می دهد.

پروتکل الحاقی

40- آژانس اظهارات ایران در مورد پروتکل الحاقی را همچون دیگر اظهارات این کشور بررسی می کند. **آژانس بدون مهر و موم کردن توان کنترل فعالیت های ایران را ندارد**
اعلام رسمی ایران به آژانس مبنی بر عدم الزام به تعلیق تولید UF6 در 21 می و از سرگیری ساخت قطعات و مونتاژ سانتریفیوژ در 23 ژوئن
در بخش دوم گزارش اختصاصی "مهر" از متن کامل گزارش تازه آژانس بین المللی انرژی اتمی به مباحثی از جمله اعلام رسمی آزمایش داغ اپراتور UCF از سوی ایران به آژانس در 16 اوت اشاره و یادآوری شد که داخلی نبودن منشاء آلودگی غنی سازی در سطح بالا مایه خوشوقتی و تقدیر از ایران است.
به گزارش خبرگزاری مهر در ادامه گزارش آژانس آمده است:

بازرسی ریشه ها و منابع تهیه

41- همانطور که در قطعنامه GOV/2004/21، شورای حکام درخواست کرد آژانس بازرسی خود از ریشه ها و منابع تهیه تکنولوژی تبدیل و غنی سازی اورانیوم و منابع تجهیزات مربوطه و مواد هسته ای و غیر هسته ای را ادامه می دهد. مدیر کل اطلاعات بیشتری را درباره نتایج این بررسی ها به شورای حکام ارائه خواهد داد.

دیدارها و گفتگو های شفاف

42- سایت شیان لویزان در تهران در ژوئن 2004 در ارتباط با برخی فعالیت های هسته ای و احتمال اختفای برخی اقدامات مورد بررسی قرار گرفت.
43- همانطور که در بالا نیز به آن اشاره شد، ایران دسترسی به این سایت ها را امکان پذیر ساخت. ایران همچنین دسترسی به تریلرهای را که قبلا در این مکان قرار داده شده بود امکان پذیر ساخت. آژانس نمونه های زیست محیطی از زمین برداشت. ایران همچنین توصیف و تاریخچه فعالیت های سایت شیان لویزان را نیز در اختیار گذاشت. طبق اظهارات ایران یک مرکز تحقیقات فیزیک در آن سایت در سال 1989 استقرار یافت. هدف از برقراری این آزمایشگاه آمادگی برای رویارویی با خسارات ناشی از حمله ها و تصادفات اتمی و نیز حمایت و ارائه توصیه های علمی به وزارت دفاع آن کشور عنوان شد. ایران لیستی از 11 فعالیت را که در مرکز انجام شده بود اعلام کرد اما با توجه به نگرانی های امنیتی، از ارائه لیست تجهیزات استفاده شده در این مرکز خودداری کرد. ایران همچنین عنوان کرد که هیچ مواد هسته ای قابل عرضه بر اساس پادمان های آژانس در شیان موجود نبوده و هیچ مواد هسته ای و فعالیت هسته ای مربوط به چرخه سوخت در شیان لویزان انجام نشده است.

44- طبق گفته های ایران سایت مذکور به دلیل تصمیمی که برای بازگرداندن سایت به شهرداری تهران در پی گفتگوهای میان شهرداری و وزارت دفاع انجام شده بود، تخریب شده است. ایران به تازگی اسنادی را فراهم کرده است که این اظهارات را تایید می کند.
45- اسناد تهیه شده از طرف ایران در حال بررسی شدن هستند و نمونه های محیطی نیز تجزیه شده اند.

46- طبق دستورالعمل آژانس در ارتباط با ارزیابی از برنامه های هسته ای دیگر کشورها آژانس با مقامات ایرانی درباره تجهیزات و موادی با استفاده دوگانه که در مناطق نظامی استفاده مرسوم دارند، گفتگو کرد. آژانس خواست ایران برای گفتگو درباره این موضوعات را تقدیر می کند.

تعلیق

47- ایران در یادداشت شفاهی خود در تاریخ 29 دسامبر 2003 آژانس را مطلع کرد که موارد زیر را تعلیق می کند:

- * عملیات یا تست همه سانتریفیوژ ها در PFEP در نطنز
- * تزریق بیشتر مواد هسته ای در همه سانتریفیوژ ها
- * نصب سانتریفیوژ جدید در PFEP

48- همچنین ایران تمایل خود را نشان داد که اگر ممکن باشد، مواد هسته ای را از همه تجهیزات غنی سازی سانتریفیوژ بیرون خواهد کشید.

ایران گفت:

*ایران در حال حاضر هیچ نوعی از تجهیزات غنی سازی سانتریفیوژ گازی را در هیچ مکانی به غیر از نطنز نمی سازد و طرح ساخت تجهیزات جدید قادر به جداسازی ایزوتوپ در طول تعلیق را هم در نظر ندارد .

*ایران پروژه های غنی سازی لیزر را کنار گذاشته و تجهیزات مربوطه را جمع آوری کرده است.

*ایران در حال ساخت تجهیزات جداسازی پلوتونیوم هم نبوده است.

* در طول دوره تعلیق قصد نداشته است که قرارداد جدید برای ساخت ماشین های سانتریفیوژ و اجزای آنها منعقد کند.

* آژانس می تواند به طور کامل انبار همه ماشین های سانتریفیوژ را که در دوره تعلیق مونتاژ شده بودند ، مورد کنترل قرار دهد.

* ایران قصد نداشته است ماشین های سانتریفیوژ یا اجزای مربوطه را وارد کند و یا مواد لازم برای پروسه های غنی سازی را در طول دوره غنی سازی وارد نماید.

* تولید مواد لازم برای روند غنی سازی (تا آن هنگام) در ایران وجود نداشته است.

49- در تاریخ 24 فوریه 2004 ایران را آژانس را دعوت کرد تا این تصمیمات داوطلبانه این کشور را بررسی کند: تعلیق مونتاژ و تست سانتریفیوژها، تعلیق ساخت داخلی اجزای سانتریفیوژها شامل آنهایی که به قرارداد موجود ارتباط می یافتند. (و نیز اعلام داشت که هر اجزایی که طبق قراردادهای موجود ساخته می شود و نمی تواند تعلیق شود باید انبار و تحت مهر و موم آژانس نگهداری شود.)

50- ایران همچنان تایید کرد که تعلیق فعالیت های غنی سازی برای تمامی تجهیزات در ایران به کار گرفته می شود.

در 21 می 2004 ایران آژانس را مطلع کرد که هرگز تضمینی برای تولید مواد لازم برای روند غنی سازی نداشته و تعلیق داوطلبانه شامل تعلیق تولید یو اف 6 نمی شود.

52 همانطور که قبلا هم در گزارش مدیر کل آژانس آمده است ایران آژانس را مطلع کرد که تست های داغ در یو سی اف که به تولید یو اف 6 منجر می شود را هدایت نمی کند. یک چنین تستی که به تولید 30 تا 35 کیلوگرم یو اف 6 می انجامد، بین ماههای می و ژوئن 2004 هدایت شد و یک تست بزرگتر دیگر شامل 37 تن از کیک زرد نیز برای اوت و سپتامبر 2004 نیز طراحی شده است.

53- همانطور که در بالا اشاره شد، ایران آژانس را در 23 ژوئن 2004 از تصمیم خود برای از سرگیری ساخت قطعات سانتریفیوژ و مونتاژ و تست سانتریفیوژ تحت کنترل آژانس اعلام کرد. در پی این اعلام، مهر و موم هایی که توسط آژانس به عنوان یک راه برای مونیتور کردن تعلیق ایران برای ساخت و مونتاژ و تست سانتریفیوژ در نطنز ، پارس تراش و تکنیک فرایند مورد استفاده قرار گرفته بود، را برداشت و در دیدار 6 تا 18 ژولای 2004 به آژانس بازگرداند. آژانس درباره منظم کردن کنترل ها با ایران در حال گفتگو است. در این راستا آژانس پیشنهاد کرد که روتورهای تست شده را مهر و موم کند و این تدبیری است که ایران هنوز قبول نکرده است. باید خاطر نشان کنیم که با عدم وجود این مهر و موم کنترل فعالیت های ایران موثر نخواهد بود.

54-طبق آخرین گزارش مدیر کل به شورای حکام، آژانس قادر بود که بررسی کند که هیچ عملیات یا تست سانتریفیوژ در PFEP و یا نصب سانتریفیوژ در FEP وجود نداشته است.

55- آژانس همچنین می تواند تایید کند که هنوز TNRC، لشگرآباد، اراک، شرکت کالای الکتریک، نطنز یا فعالیت های یو اف سی را با درک کنوانسیون آژانس از فعالیت های ایران دوباره بازبینی نکرده است.

در مورد P-2 تحقیقات ادامه می یابد / جداسازی پلوتونیوم موضوع بازرسی های آتی است

در بخش سوم گزارش اختصاصی "مهر" از متن کامل گزارش تازه آژانس بین المللی انرژی اتمی به مباحثی از جمله: اعلام رسمی ایران به آژانس مبنی بر عدم الزام به تعلیق تولید UF6 در 21 می و از سرگیری ساخت قطعات و مونتاژ سانتریفیوژ در 23 ژوئن اشاره شد اما این آژانس با زیر سوال بردن صلاحیت های فنی خود و بازرسانش ادعا کرد که بدون مهر و موم کردن توان کنترل فعالیت های ایران را ندارد!

آخرین بخش از گزارش آژانس که توسط خبرگزاری مهر تقدیم مراجعین محترم شده چنین است:

یافته های آژانس و گامهای بعدی

56) آژانس از اطلاعات جدیدی که توسط ایران در پاسخ به درخواست های آژانس ارائه گردیده استقبال می کند. گرچه به فرآیند فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز در موارد خاصی سرعت بخشیده شده است، در برخی موارد نظیر مواردی که به شفاف سازی ایران منطبق با اظهار نامه های اولیه آن کشور در راستای فعالیتهايش در مورد پروتکل الحاقی اشاره شده، اطلاعات جدید به سرعت دریافت شده است. در مواردی نیز علیرغم درخواستهای مکرر برای اطلاعات کافی، بصورت جزئی و خیلی دیر فراهم شده که گاه ارزیابی صحیح و کافی از این اطلاعات را غیر ممکن کرده است. آژانس همچنین از همکاری ایران برای در اختیار قرار دادن دسترسی به اماکنی مانند شیان لویزان که از سوی آژانس درخواست شده بود استقبال می کند.

57) هر چند آژانس هنوز در موضعی نیست که در مورد نگرانیها و صحت و تکمیل اظهارنامه های ایران که مربوط به همه ابعاد برنامه های هسته اش می شود پرسد، اما به پیشرفت یکنواخت در فهم این برنامه ها ادامه خواهد داد. در این مورد بازرسی های آژانس به یک نقطه نظر رسیده است که با توجه به دو موضعی که قبلاً بوسیله این آژانس به عنوان بازرسیهای فوری (مانند اعلام ایران در خصوص فعالیتهای غنی سازی لیزری و آزمایشات مربوط به تبدیل اورانیوم) درخواست شده بود، پیگیریهای بیشتر به عنوان یک مسئله رایج در اجرای پادمانها بایستی انجام پذیرد.

58) دو مسئله ای که اکنون برای درک توسعه و ماهیت برنامه غنی سازی ایران وجود دارد عبارتند از: مسئله اول به آلودگیهای مربوط به اورانیوم که در اماکن مختلف در ایران پیدا شده بر میگردد. همانطور که در بالا ذکر شد برخی پیشرفتهای در خصوص منبع آلودگی HEU که در کارگاه شرکت کالا الکتریک و نطنز پیداشد نائل آمده ایم. تا به امروز از تجزیه و تحلیلهای آژانس چنین استنباط می شود که آلودگی های HEU که در این اماکن پیدا شده در نتیجه غنی سازی اورانیوم بوسیله ایران در کارگاه کالا الکتریک یا در نطنز نبوده است لیکن این آژانس در پی این خواهد بود که منشأ این آلودگی ها را دقیقاً مشخص کند و به تلاشهای خود برای کشف منبع آلودگی LEU که در اماکن مختلف در ایران شامل ترکیبات تولید شده در داخل به آن برخورد کرده نیز ادامه دهد.

دومین مسئله به دامنه تلاش های ایران برای واردات، ساخت و استفاده از سانتریفیوژهای نسل های P-1 و P-2 مربوط می شود. در حالیکه این آژانس درک بهتری از تلاشهای ایران در ارتباط با هر دو طرح بدست آورده است که برای تایید اظهارنامه های ایران در باره عدم ارتباط سانتریفیوژ های P-2 به فعالیتهای ایران بین سالهای 1995-2002 و فعالیتهای مربوط به تهیه سانتریفیوژ های P-2 کار بیشتر این آژانس را می طلبد

59) مسائل دیگری وجود دارد که باید بیشتر به آنها پرداخته شود برای مثال می توان به چارچوب زمانی آزمایشهای جداسازی پلوتونیم در ایران اشاره کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر در ادامه گزارش البرادعی آمده است: این آژانس توانسته فعالیتهای مربوط به تعلیق غنی سازی ایران در سایتها و تاسیسات خاص را راستی آزمایی نماید و توانسته است تایید کند و به این نتیجه برسد که تا این زمان هر فعالیتی در این نقاط انجام شده با درک ما از تعهدات برنامه تعلیق اخیر ایران ناهماهنگ نبوده است.

لذا برای ایران بسیار مهم است که از تلاشهای این آژانس برای بدست آوردن درک کامل از همه مسائل باقی مانده حمایت کند و این حمایت می تواند ادامه دسترسی به مکانها، اشخاص، و اطلاعات مربوط به اجرای پادمانها در پاسخ به درخواست آژانس باشد و همچنین می تواند با در اختیار قرار دادن هر گونه اطلاعات اضافی که بتواند درک این آژانس را از برنامه هسته ای ایران تقویت کند. همچنین این آژانس از همکاری دیگر کشورها که به درخواست آژانس پاسخ دادند استقبال می کند. این کلیدی است که آژانس را قادر می کند برخی مسائل برجسته را حل و فصل نماید. اطلاعات دریافتی از دیگر کشورها تا این تاریخ ثابت کرده است که درک ابعاد آلودگی اورانیومی که در ایران پیدا شده، مفید بوده است. این آژانس به درخواست خود از کشورها ادامه خواهد داد تا بطور فعال به این آژانس در حل مسائل مذکور کمک کنند.

دبیر کل به موقع به شورای حکام گزارش خواهد داد که آن هنگام دیرتر از نشست شورای حکام در نوامبر سال 2004 نخواهد بود.

گوناگون

سرکوب و آسیب دیدگیهای اجتماعی

کیواندخت قهاری - صدای آلمان - پنجشنبه 12 شهریور 1383 - 2 سپتامبر 2004

اعدامهای تابستان ۱۳۶۷ فرازی بود در سیاست سرکوب و خفقان که از مشخصه های سالهای دهه ۱۳۶۰ در ایران بود، سرکوب و خفقانی که نه تنها هدفهای مستقیم خود را بلکه جامعه ایران را در تمامیت خود قربانی انواع نقض حقوق بایسته انسانی ساخت. از مهمترین تاثیرات خفقانی که بر جامعه ای تحمیل می گردد، تاثیرات روانی آن است که حتی در صورت رفع موقعیت سرکوب باز نسل به نسل در آن جامعه منتقل می شود. در این گزارش نگاهی داریم کوتاه به تاثیرات روانی سرکوب و خفقان بر جامعه ایران.

در دهه ۱۳۶۰ بسیاری در ایران هدف مستقیم و اصلی سرکوب بودند. آنان دستگیر، زندانی، شکنجه، اعدام شدند یا زندگی ای مخفی در پیش گرفتند، یا از ایران گریختند. گروهی نیز غیرمستقیم قربانی خشونت سیاسی شدند. نه تنها خانواده هدفهای مستقیم سرکوب، خویشاوندان، دوستان و همسایگان نشان، بلکه همچنین عابریان یا تماشاکنندگان دستگیرها و تظاهرات خیابانی که بر اثر برخورد گلوله کشته یا بی دلیل دستگیر و زندانی و شکنجه شدند، آسیب دیدند، جسمی و روانی.

در علم روانشناسی "آسیب‌دیدگی یا ضربه روانی" به اختلالاتی گفته می‌شود که در پی پیشامدی ناگوار در احساسات، تواناییها، روابط و دیدگاههای انسان نسبت به خودش و به دنیا بوجود می‌آید. این پیشامد پیش‌بینی‌ناشدنی بوده، شدت آن ورای سختیها ومشکل‌هایی است که فرد هر روز با آن سر و کار دارد. اما به گفته روانشناس و پژوهشگر ایرانی خانم دکتر نورایمان قهاری، که تحقیقات خود را در زمینه آسیب دیدگیهای اجتماعی در ایران انجام داده است، آسیبهایی حاصل از مواردی چون جنگ، شکنجه، فرار و تبعید را نمی‌توان تنها با "آسیب‌دیدگی روانی" توضیح داد. بلکه نیاز به مفهوم دیگری وجود دارد که بتواند بیانگر عمق حادثه‌های ناگواری باشد که جان بدربرندگان در این گونه موارد تجربه کرده‌اند. این مفهوم "آسیب‌دیدگی اجتماعی" است.

خانم دکتر قهاری در باره "آسیب دیدگی اجتماعی" چنین می‌گوید: "آسیب‌دیدگی اجتماعی به عنوان تعریفی نو به ما اجازه می‌دهد که با اینکه به فرد به عنوان قربانی اصلی شرایطی مثل زندان، شکنجه و جنگ نگاه می‌کنیم، او را جدا از کل جامعه نبینیم. به این معنی که با تکیه به این تعریف ما به دنبال بیماری در فرد نمی‌گردیم، بلکه به ماهیت و چگونگی رابطه فرد و جامعه در چارچوبی اجتماعی و به آنچه بر فرد به عنوان عضوی از جامعه تاثیر می‌گذارد، نگاه می‌کنیم تا به واقعتهای تاریخی‌ای که این آسیب‌دیدگی را به وجود آورده‌اند پی ببریم و به آن برخورد کنیم. برخلاف ضربه روانی که در اثر يك واقعه غیرمنتظره به وجود می‌آید، آسیب‌دیدگی اجتماعی نتیجه حوادث پی‌درپی ناگواری است که نه تنها لزوماً غیرقابل پیش‌بینی نیستند، بلکه می‌توانند به وسیله سیستم حاکم برنامه‌ریزی شده باشند و به طور سیستماتیک بر جامعه تحمیل شوند. برخی از مواردی که باعث آسیب‌دیدگی اجتماعی می‌شوند عبارتند از زندان و شکنجه و حتی پدیده‌هایی چون فقر، فحشا و بی‌خانمانی کودکان که دولت به آن بهایی نمی‌دهد و رسیدگی نمی‌کند. این وقایع و پدیده‌ها بر کل جامعه تاثیر می‌گذارد و نسل‌های بعد نیز از تاثیر آنها در امان نیستند."

آسیب دیدگی اجتماعی نتیجه برخورد طبیعی فرد است با روابط اجتماعی‌ای که به خاطر موقعیتی غیرانسانی و ناشی از استبداد حاکم بر جامعه به وجود می‌آیند. نورایمان قهاری در این باره می‌گوید: "بنابراین آسیب‌دیدگی اجتماعی جزئی از يك وضعیت به اصطلاح طبیعی غیرطبیعی است. یعنی افراد عکس‌العمل‌های طبیعی نسبت به شرایطی نشان می‌دهند که به خاطر سیستم استبدادی حاکم به وجود آمده و جزئی از زندگی طبیعی انسانها نیستند و نباید باشند. مثلاً خانواده‌ها به خاطر پشتیبانی از نظام حاکم فرزندان خود را به دولت معرفی می‌کنند، یا برای حفظ امنیت و ارزشهای خود زندگی‌ای دوگانه را در پیش می‌گیرند."

رایجترین نمونه آن اینکه در جمع خانواده به دولتمردان ناسزا می‌گویند، در اجتماع از آنان تمجید می‌کنند. در خانه مشروب می‌خورند، نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند، در اجتماع به عکس آن تظاهر می‌کنند. این فرهنگ چنان رایج است که بعید است بتوان ایرانی‌ای را یافت که آن را تجربه نکرده باشد یا خود در آن سهیم نباشد.

یکی از روشهای مورد استفاده نظام‌های حاکم که موجب آسیب‌دیدگی اجتماعی می‌گردد، "جنگ روانی" است. استفاده از "سلاحهای جنگ روانی" یعنی استفاده از ابزار و اعمالی چون تبلیغات، شایعات و اخبار که برای گمراه کردن و متزلزل کردن افکار عمومی به کار برده می‌شود. دکتر نورایمان قهاری در این مورد چنین توضیح می‌دهد: "ساده‌ترین مکانیسم رسیدن به اهداف جنگ روانی استفاده از اشاعه ترس و حس ناامنی در بین مردم است. این ناامنی در مورد باورهای شخصی، قوه داور و احساسات در رابطه با درست و غلط است. قدرتمندان برای بوجود آوردن این حس ناامنی در ابتدای کار به مهمترین باورهای مردم، به ارزشهای دینی، اجتماعی و فرهنگی آنها حمله می‌کنند و بعد با جوابهای به اصطلاح رسمی و قانونی خودشان این ناامنی را به يك حس امنیت تبدیل می‌کنند. در اینجا فرد حلقه‌ای از زنجیری است که دارد به واسطه به کار بردن این سلاحها مورد آسیب‌دیدگی اجتماعی قرار می‌گیرد. برای مثال همسایه‌ای که از روی ترس رابطه‌اش را با خانواده‌ای در محل که فرزندش زندانی شده را قطع می‌کند، حلقه‌ای است از این زنجیر آسیب‌دیدگی. یعنی با شکنجه و زندانی کردن فردی در همسایگی او موفق شده‌اند که او را هم خاموش نگاه دارند."

در این میان می‌توان شیوه دستگیری فعالان سیاسی را نیز نمونه آورد که به ویژه در دهه ۱۳۶۰ داستان دردناک هر روزه‌ای بود. آقای مهدی اصلانی، از فعالان و نویسندگان در زمینه حقوق بشر، صحنه دستگیری خود را در سال ۱۳۶۳ در تهران، در محله نزدیک به محله پدری‌اش را به اختصار شرح می‌دهد: "من دقیقاً بیست سال قبل، یعنی در سال ۱۹۸۴، در یکی از چهارراههای جنوب غربی تهران توسط تیم شکارچیان انسان وزارت اطلاعات به تور انداخته شدم. ماجرای دستگیری من، به صورت کوتاه بگویم، به این ترتیب بود که هنگام خرید روزنامه‌های صبحگاهی از کیوسک روزنامه فروشی، که تقریباً کار هر روزه ام بود، توسط اتوموبیلی شیک و بدون آرم، به دست دو جوانک ژیکولو که اساساً شباهتی به نیروهای امنیتی نقش شده در ذهن من نداشتند، شکار شدم. آنها با آلبوم عکسی که در اختیار داشتند و من این را بعداً در اتوموبیل دیدم، که یکی از عکسهای آن هم عکس من بود که زینت بخش یکی از صفحات آلبوم بود، از ماشین پایین آمدند. یکی از آنها در گوشی به من که داشتم روزنامه‌ها را نگاه می‌کردم گفت که بدون هیچ مقاومت و سر و صدا کردنی به داخل اتوموبیل بروم. من هم که ماجرا

را حدس زده بودم، عکس آن دو عمل را انجام دادم، یعنی هم سر و صدا کردم، هم به داخل اتوموبیل رفتم. به این دلیل که می خواستم هم خانواده ام متوجه دستگیری ام بشوند، هم خبر دستگیری ام، به جهت ارتباطاتی که داشتم، پخش بشود. گفتم که کارت شناسایی تان کجاست؟ از طرف چه نهادی هستید؟ حکم بازداشت مرا دارید یا نه؟ بعد آن طرف که سر و صدای من را دید یکباره چهره عوض کرد و گفت که "کثافت بیشرف تو توی این محله داری مواد مخدر پخش می کنی، جوانها را به فساد می کشانی و حالا هم دو قورت و نیم ات باقیست!" این سناریوی بسیار استفاده شده و مستعمل و نخ زده _ چون جاهای دیگر هم این را استفاده می کردند_ به قدری در آن لحظه مضحك جلوه می کرد که هیچ يك از آدمهایی که دور ما جمع شدند به آن باور نداشت. به چند دلیل، یکی اینکه محله قدیمی جنوب شهر افرادی مثل يك خانواده می مانند و افرادی مرا می شناختند. بعد ظاهر ورزشی و نسبتاً ورزیده در آن دوران که شباهتی به افراد معتاد نداشت. به هر حال آنچه هدف من بود در آن لحظه عملی شد، یعنی مطلع کردن خانواده در باره دستگیری من. چون هر چه آن شخص سعی در آرام کردن من و سوار کردنم به اتوموبیل داشت به اتهام پخش مواد مخدر، من در برابر می گفتم که "مادر من الان مریض است، در خانه منتظر است تا من برایش دارو از داروخانه بگیرم، دو کوچه پایینتر هم هست و هر کس هم می تواند این را به مادر من اطلاع دهد که من دستگیر شدم." و بعد که این طرف این وضعیت را دید و دخالت مردم لحظه به لحظه بیشتر می شد _ مثلاً یکی می گفت "ولش کنید، مگر شما خدا و پیغمبر نمی شناسید" یکی دیگر می گفت "چرا بیخود اتهام می زنید؟ معتاد خودتانید، این اصلاً قیافه اش به معتادها نمی خورد" و از این دست برخوردها _ یکی از آنها مجدداً در گوش من گفت: "کثافت، دهنش را خورد می کنیم، سر و صدات با بخوابون!" و چون فشار مردم هم دائم بیشتر می شد، از وحشت دخالت مستقیم یکی از اینها اقدام به تیراندازی هوایی کرد. با بیسیم گشت سیاری را که در آن حوالی بود خبر کردند. به سرعت برق يك نیشان گشت ثارالله سر رسید و من در پشت صندوق عقب این نیشان با پتویی که به سرم کشیده شده بود به صلاح خانه وزارت اطلاعات منتقل شدم."

به هنگام دستگیری در برابر چشم مردم فعالان سیاسی مرد را به پخش مواد مخدر و فعالان سیاسی زن را به فحشا متهم می کردند. خانم مینا زرین که در سال ۱۳۶۰ در محله نازی آباد تهران دستگیر شد و نه سال از عمر خود را در زندانهای اوین، گوهردشت و قزل حصار به سر آورد، صحنه دستگیری خود را به اختصار چنین شرح می دهد:

"من در اتوبوس نشسته بودم که يك دفعه بالای سرم کسی را دیدم که لباس پاسداری به تن داشت که گفت: "اگر تکان بخوری همینجا مغزت را متلاشی می کنم. به ما گزارش شده که شما نارنجک دارید. هر چه داری بگذار بیرون!" گفتم: "من؟ اصلاً چیزی ندارم." گفتش که اینها را به ما گزارش داده اند. وقتی که مرا آوردند پایین، از پله ها که می آمدم، تمام مردم دور من جمع شده بودند. ولی باید پیاده می شدم. آنها همین جور حاج و واج مرا نگاه می کردند. برای دختری که نزدیک هجده سالش بود و خیلی ضعیف و با يك چادر خیلی معمولی در منطقه نازی آباد، در یکی از مناطقی که جنوب تهران است، آنجا من دستگیر شدم. همه مردم دور من جمع شده بودند و هیچ کس نمی دانست چه شده و دختری که قیافه ای به این ضعیفی و معمولی مثل خودشان دارد، مثل دخترخانمهایی که در نازی آباد هستند، چه کاری کرده؟ چه گناهی مرتکب شده؟ مردم به اینها روی کردند و همین جوری با چشم باز مانده بودند که من کجا ممکن است نارنجک داشته باشم؟ یادم است که يك کلت خیلی کوتاهی بالای سر من بود، لباس سربازی شان لباس سبزی بود که هیچوقت نتوانستم به رنگ آن علاقه پیدا کنم. اینها همه دور من ایستاده بودم و به خاطر دارم که یکی شان هفت تیر داشت. چیز دیگری خاطر من نیست. فقط نگاههای مردم یادم مانده است. مردم اصرار می کردند که بتوانند مرا از دست پلیس جمهوری اسلامی و پاسدارها خلاص کنند. هی می گفتند: "ترا به خدا این را ولش کنید! این يك دختر خانم است. چرا این را گرفته اید؟ اصلاً بهش نمی آید که کاری کرده باشد." اینها اصرار می کردند که من نارنجک دارم. مردم گفتند که خب چادرش را باز کنید، نگاه کنید! اصلاً با این کمر كوچك و باریك کجا می تواند نارنجک قایم کند؟ بعد پاسدارها که دیدند با این حرفها نمی توانند مردم را راضی کنند گفتند که این يك زن خراب است. یعنی دقیقاً یادم است که این جمله را به کار برد: "این زن يك زن فاحشه ای است" و وقتی که این را گفتند نتوانستند مرا در يك فرصت خیلی خیلی کوتاه بکشند توی درهای بسته کمیته یازده که يك مردی در آن بود که حالتهاى ديكتاتورى داشت، از چشمانش اصلاً خون می بارید، و بعداً من فهمیدم که این زیر نظر لاجوردی، رییس زندان اوین، کار می کند. اینها مرا محاصره کرده بودند و در يك لحظه که گفتند این يك زن فاحشه ای است، در را بستند و مرا کشیدند تو. وقتی مرا کشیدند تو، می بخشید که این را می گویم، اما مثل حیوان ریختند روی بدن من. تمام بدن مرا چنگ زدند، تمام جاهایی که می توانستند، تمام بدنم، سینه هایم را، شکمم را، زیر شکمم را، و خودشان می دانستند که من چیزی نداشتم."

بدین ترتیب دولت با دست گذاشتن روی حساسترین ارزشهای اجتماعی و فرهنگی مردم جلوی اعتراض مردم و پرسش بیشتر در باره دستگیریهای عریان را می گرفت. به گفته نورایمان قهاری با اینکه ممکن است بعضی شرایط خاص آسیب دیدگی را وخیم تر کند، همین طور هم ممکن است که انسانها را به سوی رشد سوق دهد. نورایمان قهاری می گوید: "از بسیاری از

زندانیان جمهوری اسلامی می‌شنویم که معتقدند که بالاخره حتی در سخت‌ترین موارد هر کاری انجام پذیر است و این را از تجربیات درون زندانشان یاد گرفته‌اند. مثال دیگری که می‌شود زد این است که همان طور که می‌بینیم موسسات خیریه زیادی در سطح جامعه ما رشد کرده‌اند. این نشانه قدم برداشتن و رای شرایط محدودکننده جامعه است.

برای درمان هر آسیب‌دیدگی ای نخست بایست بر وجود چنین آسیب‌دیدگی ای آگاهی یافت و نیز بایست مکانیسم‌هایی را شناخت که موجب به وجود آمدن آن آسیب‌دیدگی می‌شوند. درمان از شناخت و مقابله با اسباب و علل جدایی‌ناپذیر است. در این باره نورایمان قهاری می‌گوید: "برای درمان آسیب‌دیدگی اجتماعی نه تنها درمان فرد آسیب‌دیده، بلکه برخورد به شرایطی که باعث وارد آمدن این آسیب‌دیدگی می‌شود لازم است. اگر این شرایط دست نخورده باقی بمانند، نه تنها این آسیب‌دیدگی مزمن می‌شود بلکه نسل‌های بعدی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. برای مثال اعاده حیثیت از خانواده‌هایی که بوسیله جنگ روانی و زندانی شدن فرزندان خود آبرو، منبع معاش و روابط اجتماعی‌شان را از دست داده‌اند از ضروریات است."